



با حکم مقام معظم رهبری صورت گرفت
فرمانده بلندبایه ارتش
جانشین سرلشکر باقری شد

گروه سیاست: فرمانده معظم کل قوا در حکمی امیر سرتیپ نصیرزاده را به‌عنوان جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح منصوب کردند. با حکم فرمانده معظم کل قوا، امیر سرتیپ خلیان، «عزیز نصیرزاده» به‌عنوان جانشین...

صفحه ۲

دوشنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۰ ۱۳ صفر ۱۴۴۳ ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱

تترها

جلیلی ودستان
خالی از پست

صفحه ۲

حسین دهقان
به ستاد اجرائی می‌رود؟

صفحه ۲

مهرداد گرجستان روی پاسپورت ایرانی
ایرانی‌های
ممنوع‌الورود

صفحه ۴

«گیر» نماینده مجلس
به لباس دختران ایران

صفحه ۱۱

تأثیر اقتصادی عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای

پایان اختلال
یک قطبی

صفحه ۵

نخستین سخنرانی بایدن
در مجمع عمومی تحت تأثیر بحران افغانستان
پیامی فریبنده
به جهانی آشفته

صفحه ۸

حرف اول

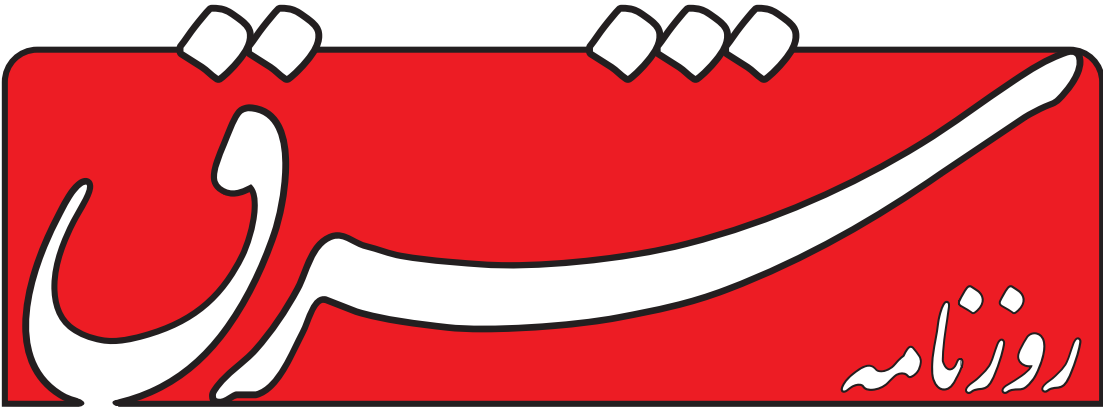
سازمان شانگهای و FATF

معین شرفی . حقوق‌دان

با تأسیس سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۱۱، یکی از مباحث مهم، واکنش دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه قدرت‌های

بزرگ بود. هریک از این کشورها تلاش کردند موضع خود را در قبال سازمان همکاری شانگهای تدوین و سیاست خود را درباره آن مشخص کنند. ایران ازجمله این کشورها بود که به سبب هم‌جواری منطقه‌ای می‌توانست تحت تأثیر پیامدهای شکل‌گیری این سازمان قرار گیرد و اعلام کرد خواهان عضویت در این سازمان است و در این راه تلاش کرد و بالاخره موفق شد در سال ۲۰۰۵ به عضویت ناظر در این سازمان درآید و در پی آن بالاخره سند عضویت دائم ایران در شهریور ۱۴۰۰ یعنی سال ۲۰۲۱ به تأیید رسید و ایران نیز عضو دائمی این سازمان شد. در این سال‌ها مهم‌ترین مانع پیوستن ایران به سازمان شانگهای از منظر حقوقی، قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل بود که سازمان ملل نیز با صدور قطع‌نامه ۱۲۳۱ مبنی بر لغو تحریم‌های گذشته، راه را برای پیوستن کشور عزیزمان به سازمان شانگهای هموار کرد. با تلاش‌های دولت یازدهم درخصوص برجام و رفع موانع حقوقی و سیاسی، روند شکل‌گیری مشارکت جامعی بین تهران و یکن از سر گرفته شد و ایران مجدد درخواست عضویت دائم خود را به این سازمان ارائه داد. متعاقب آن تیره‌وتار شدن روابط ایران و تاجیکستان، به‌خصوص اعتراض تاجیکستان در ماجرای کنفرانس وحدت اسلامی در تهران، فصل جدیدی از مانع‌تراشی‌ها درخصوص گسترش روابط تهران و یکن را فراهم آورد و دوباره عضویت ایران در سازمان شانگهای به‌توقار افتاد. امضای سند همکاری ۲۵ساله ایران-چین در دولت دوازدهم و تأکید و نامه هوشمندانه رهبری به پوتین در مورد گسترش روابط تهران و مسکو، زمینه زودن موانع سیاسی درخصوص پذیرش ایران در سازمان شانگهای را فراهم آورد. در حال حاضر چین، روسیه و ایران و مهم‌ترین اعضای سازمان هستند که مایل به رویارویی مستقیم با آمریکا بوده و عضویت کشور پس از حدود یک دهه تلاش می‌تواند تأثیرات مهمی بر روند همکاری‌های چندجانبه در آسیا داشته باشد و می‌بایست از ظرفیت‌های ایجادشده به‌خصوص در حوزه اقتصاد حداکثر استفاده را کرد. این اولین دستاورد مشترک دولت قیل و سیاست فعلی حاکم است.

ادامه در صفحه ۴



نماینده تهران، سمیه رفیعی را به‌عنوان رئیس سازمان محیط زیست پیشنهاد داد

تصمیم‌سازی نمایندگان برای دولت؟

صفحه ۲



مروری بر دکتراهای «افتخاری»

که به رؤسای دولت اعطا شده است

رؤسای جمهور از کجا دکترا گرفتند

● **سیدمحمد خاتمی، مدرک کارشناسی فلسفه غرب از «دانشگاه اصفهان» و کارشناسی ارشد در رشته علوم تربیتی از «دانشگاه تهران» دارد**

صفحه ۳



یادداشت

مبارزه با فساد از طریق حکمرانی خوب

۱- مشارکت: یعنی امکان شرکت در روند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات برای همه اقشار جامعه از طریق نهادها یا نمایندگان آنها. امکان تعیین نماینده در نهادهای تصمیم‌گیر، اگرچه شرط لازم است، اما به تنهایی کافی نیست، بلکه مشارکت باید آگاهانه و سازمان‌یافته باشد و مقدمات آن، یعنی آزادی اجتماعات و آزادی بیان وجود داشته باشد.

۲- حکومت قانون: یعنی وجود نظامات حقوقی منصفانه و اعمال بی‌طرفانه آنها در همه سطوح و درباره همگان و ازجمله اجرای اصول اولیه حقوق بشر. اعمال بی‌طرفانه قوانین مستلزم یک دستگاه قضائی مستقل و بی‌طرف و یک نیروی انتظامی فسادناپذیر است.

۳- شفافیت: یعنی تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات بر مبنای قوانین و مقررات و انتشار آزدانه اطلاعات مربوطه برای اطلاع همگان.

۴- پاسخ‌گویی: یعنی نهادها گوشش لازم را برای ارائه خدمات به همه ذی‌نفعان در یک چارچوب زمانی معقول انجام دهند.

۵- اجماع: یعنی حداکثر تلاش ممکن در جهت ایجاد اجماعی وسیع در بین صاحبان دیدگاه‌های متنوع در هر جامعه درباره آنچه بیشترین نفع را برای تمامی جامعه دارد و نحوه تأمین آن. همچنین ضروری است که در زمره پیش‌شرط‌های مبارزه با فسادند، در کشور نهادینه شوند. مرور تجربیات کشورهایی که در مبارزه با فساد موفق بوده‌اند، می‌تواند درس‌آموز و راهگشا باشد. اگرچه در غرب و شرق عالم جوامعی از طریق لیبرال‌دموکراسی به ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی رسیده‌اند و فساد را به حداقل رسانده‌اند، اما تجربیات بشری نشان داده این تنها راه برای رهایی از دور باطل عقب‌ماندگی، فقر و فساد نیست. چین، ویتنام، امارات و... از طریق «حکمرانی خوب» در جهت ایجاد «دولت شایسته» قرار گرفته و مردم خود را به آینده امیدوار کرده‌اند. ما نیز قطعاً چاره‌ای نداریم جز اینکه تلاش برای نیل به «دولت شایسته» را از یکی از این دوره ممکن در مرکز توجه قرار دهیم. بدون شک، رعایت اصول «حکمرانی خوب» پیش‌شرط مسلم رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و امنیت پایدار در هر کشوری است. تجربه بشری نشان داده تنها در صورت رعایت این اصول، امکان ریشه‌کنی فساد سیستماتیک وجود دارد. اصول حکمرانی خوب در چند دهه گذشته در سطح نهادهای بین‌المللی مورد بحث و اجماع قرار گرفته است. مهم این است که این اصول به‌عنوان یک کمال مطلوب در همه جوامع قابل اجراست و امری جهانشمول، فرافرهنگی و فرادینی است. این اصول با سنت دینی و فرهنگی همه جوامع سازگار است و بر اکثر آنها نیز در سنت دینی ما تأکید شده است. اصول اصلی حکمرانی خوب عبارت‌اند از:



کوروش احمدی
دیپلمات بازنشسته

یادداشت

خشک‌سالی در تهران، دولت و تغییر اقلیم

که بسیاری از سامانه‌های مدیریت آب به ذوب برف متکی هستند. به همین ترتیب، برخی از اکوسامانه‌ها نیز به ذوب برف وابسته هستند که آب سرد را برای گونه‌هایی مانند ماهی قزل‌آلا تأمین می‌کنند. از آنجا که برف به‌عنوان یک سطح بازتابنده عمل می‌کند، کاهش سطح برف همچنین دمای سطح را افزایش می‌دهد و خشک‌سالی را تشدید می‌کند. خشک‌سالی می‌تواند از طریق یک چرخه معیوب ادامه یابد که در آن خاک‌های بسیار خشک و پوشش گیاهی کاهش‌یافته، اشعه‌های خورشیدی بیشتری را جذب کرده و گرم می‌شوند و تشکیل سامانه‌های فشار قوی را تشدید می‌کنند که بارندگی را محدودتر می‌کند و باعث می‌شود مناطق خشک‌شده حتی خشک‌تر شوند. خشک‌سالی‌ها با کمبود آب در دسترس تعریف می‌شوند. در طول خشک‌سالی، جوامع ممکن است دسترسی محدودی به آب برای مصارف خانگی و همچنین کشاورزی، حمل‌ونقل و تولید برق داشته باشند. خشک‌سالی منجر به افزایش هزینه‌های آب، جیره‌بندی یا حتی ازبین‌رفتن منابع مهم آب مانند چاه‌ها می‌شود. خشک‌سالی‌ها و محصولات زراعی شامل ذرت، سویا و گندم را تحت تأثیر قرار داده است. انتظار می‌رود خشک‌سالی‌ها مکرر، بیشتر و طولانی‌تر شوند. آب‌وهوای ایران باعث خشک یا نیمه‌خشک است و به دلیل افزایش تابش، شورشند، بهره‌برداری بیش از حد از آب‌های زیرزمینی و افزایش دفعات خشک‌سالی به‌شدت تحت تأثیر کاهش منابع آبی قرار دارد. ناآرامی در شبکه توزیع آب، به‌ویژه در بخش کشاورزی، در معرض دوره توسعه مدرن ایران در سده بیستم رخ داده است. ایران با چالش‌هایی اساسی در زمینه دسترسی طولانی‌مدت به آب در دوره خشک روبه‌رو است. در حال حاضر، دو تا ۲۰ میلیون نفر در معرض ریسک بالاتر از متوسط ناشی از خشک‌سالی هستند. علاوه بر بارندگی ضعیف در زمستان ۱۳۹۹، دمای بالای باعث ذوب بیشتر برف شده است. کاهش میزان ذخیره آب برای استفاده‌های بعدی در ماه‌های خشک‌تر (یعنی اواخر بهار و تابستان ۱۴۰۰) چالش ادامه‌دار امسال بود. بر اساس پیش‌بینی‌های سازمان هواشناسی، سال آبی آینده در بهترین حالت سال نرمالی خواهد بود و خبری از ترسالی نیست. دمای گرم‌تر، تغییر را افزایش می‌دهد که باعث کاهش آب سطحی و خشک شدن خاک و پوشش گیاهی می‌شود. این امر باعث می‌شود دوره‌هایی با بارش کم در شرایط سردتر خشک‌تر شوند. دمای گرم زمستان باعث می‌شود بارش کمتری به صورت برف رخ دهد. کاهش بارش برف می‌تواند مشکل‌ساز باشد؛ حتی اگر کل بارش سالانه یکسان باقی بماند. این امر به این دلیل است



مهدی زارع

ادامه در صفحه ۲

سخنگوی وزارت خارجه در نشست هفتگی خبرداد
رئییی در مجمع عمومی آنلاین
سخنرانی می‌کند



گروه دیپلماسی: سخنگوی وزارت خارجه در نشست خبری هفتگی خود که بعد از مدت‌ها به صورت حضوری برگزار شده بود، خبر داد سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران، سه‌شنبه به صورت آنلاین در نشست مجمع عمومی سازمان ملل...

صفحه ۴

سال نوزدهم شماره ۴۱۰۱ ۱۲ صفحه ۷۰۰۰ تومان

سرمقاله

تحولات افغانستان
معادلات جهانی و محاسبات چین

محمدحسین عمادی*



تحولات افغانستان و خروج شتاب‌زده نیروهای آمریکایی همراه با حاکمیت سریع و بهت‌آور طالبان معادلات منطقه و جهان را به‌شدت تحت‌الشعاع خود قرار داده است. بی‌شک خروج نیروهای آمریکا از افغانستان و منطقه خاورمیانه به دلیل مواجهه و رویارویی با اژدهای در حال ظهور در اقیانوس آرام و دریای چین است. صف‌بندی‌های جدید و جوروانه ایجاد ائتلاف نظامی امنیتی با استرالیا و انگلستان AUKUS حتی به بهای بی‌ثباتی در اقیانوس آرام و تحریک تایوان همگی نشان از قصد جدی آمریکا در مواجهه با دومین قدرت اقتصادی جهان دارد. الگوی ذهنی سیاستمداران آمریکا بر مبنای معادلات جنگ سرد شکل گرفته و معتقدند که باید چنین را مانند شوری سابق، با همکاری هم‌پیمانان ستنی خود از جوانب مختلف کنترل و محدود کرد. چین نیز با بهره‌گیری از الگوی خود به محاسبه دقیق شرایط پرداخته و با روش‌های دیپلماتیک و «اقتصادمحور» خود سعی در پرکردن خلا قدرت به‌وجودآمده در منطقه و افغانستان دارد. فعالیت‌ها و اقدامات دیپلماتیک اخیر چین در نزدیکی با حکومت موقت و نوبیای طالبان نشانگر اشتیاق و نقش فعال چین در تعامل با امارات اسلامی افغانستان است. طالبان نیز به‌صورت مکرر به نقش چین و اهمیت همکاری با این کشور تأکید داشته و در آخرین مصاحبه سخنگوی خود (دبیح‌الله مجاهد) صراحتاً اعلام کردند که چین مهم‌ترین شریک راهبردی ما خواهد بود و فرصت‌های فراوانی برای ما فراهم می‌کنند. حال باید دید بر اساس معادلات جهانی و آخرین مشاهدات از تحولات افغانستان و محاسبات چین، برنده این بازی در بلندمدت کیست و چه خطرات و فرصت‌هایی در انتظار ماست؟ چین در رقابت با آمریکا شش اصل بالقوه را متأثر از اصول مارکسیسم، فرهنگ ستنی چین و تجربه تاریخی خود پس از جنگ جهانی دوم دنبال می‌کند. این اصول عبارت‌اند از: ۱- رعایت تعادل بین مأموریت رهبران سیاسی و عوامل تاریخی ۲- تأکید بر نقش حیاتی و ساختاری اقتصاد ۳- پیروی از الزامات راهبردی برای شناخت دقیق رقیب ۴- تلاش برای به‌دست‌آوردن هرچه‌بیشتر دوستان و شرکای سیاسی ۵- اجتناب از جنگ و مبارزه ایدئولوژیک ۶- حفظ سازگاری و انطباق سیاست داخلی با فضای جهان بیرون. بر همین اساس می‌توان اهمیت افغانستان از دیدگاه چین را بررسی کرد. چین از یک‌سو با تاریخ تحولات نیم‌قرن اخیر افغانستان عمیقاً آشناست و شکست نیروهای انگلیس، روسیه و آمریکا را نظاره کرده است و در ۲۰ سال گذشته در تمامی نشست‌ها و مجامع مربوط به افغانستان شرکت و از نزدیک تمامی وقایع را دنبال کرده و همواره با تمامی طرف‌های درگیر در ارتباط بوده است. از طرف دیگر و بر اساس سیاست‌های بنیادی فوق دستیابی به سه هدف اصلی و حفظ سه فرصت به‌دست‌آمده در افغانستان و منطقه را با قدرت دنبال می‌کند. چین بر مبنای حوز اصلی استراتژیک گفته‌شده به‌صورت خاص در حوزه افغانستان بر سه هدف راهبردی تأکید می‌کند: ۱- به‌هیچ‌وجه گرایش به مداخله مستقیم و حضور نظامی-امنیتی در معادلات منطقه و به‌ویژه افغانستان در مقطع کنونی نخواهد داشت ۲- در راستای پروژه راه جدید ابریشم BRI از جایگاه جغرافیایی استراتژیک، مناسع غنی معدنی و بازار مصرف ۴۰ میلیونی همسایه خود افغانستان چشم‌پوشی نخواهد کرد ۳- جهت کنترل و تأمین امنیت منطقه سین‌کیانگ از خطر اسلام‌گرایان افراطی، چین می‌تواند از کمک طالبان بهره‌مند شود. حاکمیت موثقت طالبان در افغانستان و چیدمان کنونی قدرت‌های منطقه‌ای برای چین فقط در یک ماه گذشته فرصت‌های فراوانی به همراه داشته که می‌توان به برخی از آنان اشاره کرد: ۱- خروج شتاب‌زده و شرم‌آور آمریکا از افغانستان هژمونی آمریکا را باوجود هزاران میلیارد دلار هزینه در این کشور با چالش جدی روبه‌رو کرده و الگوی صدور دموکراسی و آزادی (مبانی قدرت نرم آمریکا در جهان) را از طریق مداخله نظامی و اقتصادی در سطح جهان زیر سؤال برده. ۲- حذف هندوستان از معادلات افغانستان که همواره مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای چین و پروژه راه ابریشم بوده است، دستاورد آشکار چین در صحنه معادلات منطقه است. ۳- احیا و قدرت‌گرفتن سیاسی-امنیتی پاکستان در منطقه به‌عنوان شریک استراتژیک چین در احداث کریدور ششم از پروژه راه ابریشم جدید (بندر گوادر، اسلام‌آباد، کاشغری). با درنظرگرفتن اهمیت سه هدف راهبردی چین و ضرورت حفظ سه فرصت طلایی به‌وجودآمده در کوتاه‌مدت، باید به افق درازمدت این دستاوردها بر اساس تجربه چین و مبانی محاسباتی آنها در طراحی معادله رویارویی با شرایط جدید اشاره کرد.

ادامه در صفحه ۲